

جایگاه اقلیم در ترکیب‌بندی بناهای معاصر (مطالعه موردی: خانه‌های دوران قاجار در شهر دزفول)

دکتر محمدجواد مهدوی نژاد*، مهندس مجید منصورپور**، مهندس مصطفی مسعودی نژاد***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۰۴، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۲/۰۳/۲۹

چکیده

خانه‌های دوران قاجار در شهر دزفول، نمونه‌ای ارزشمند از معماری معاصر ایران به شمار می‌آیند که به خوبی توانسته‌اند با شرایط خاص اقلیمی خوزستان هماهنگ شوند. هدف از این پژوهش شناسایی الگوی مسکن قاجاری دزفول و چگونگی تأثیرپذیری آن از اقلیم، به عنوان عنصر هدایت‌کننده فرایند طراحی معماری است. از این رو با بررسی یازده نمونه از خانه‌های دوره قاجاریه دزفول و همچنین استفاده از تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده از متخصصان آشنا با معماری منطقه، مورد ارزیابی قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از آن است که بسیاری از ویژگی‌های خانه‌های دزفول به نحوی با متغیرهای فرهنگی، اعتقادی، زیباشناختی، اقتصادی و اجتماعی هماهنگ بوده‌اند؛ و تمامی آنها بر نقش ممتاز اقلیم در جهت‌دهی و شکل‌گیری معماری تأکید می‌نمایند؛ و نشان می‌دهد که اقلیم چگونه به عنوان بخشی از فرایند طراحی معماری سبب ارتقاء کیفیت مسکن معاصر دزفول شده است.

واژه‌های کلیدی

اقلیم، معماری معاصر، خانه‌های معاصر دزفول، فرایند طراحی معماری، دوران قاجاریه

* دانشیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)

Email: mahdavinejad@modares.ac.ir

** کارشناسی ارشد معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: mansourpour.ma@yahoo.com

*** مربی گروه معماری دانشگاه آزاد واحد اهواز، اهواز، ایران.

Email: mostafa_masoudinejad@yahoo.com

مقدمه

دوره قاجاریه) این سرزمین و همچنین شبیه‌سازی رایانه‌ای، به دلایل و رویکردهای اصلی خلق فضاهای باارزش و همگون با محیط پی برد. منطقه مورد بررسی شهرستان دزفول در استان خوزستان است که آب و هوایی گرم و نیمه‌مرطوب دارد. این تحقیق در پی اثبات یا رد نمودن تأثیر اقلیم بر ساختمان به عنوان بااهمیت‌ترین رویکرد طراحی می‌باشد و در جستجوی پاسخی برای این سؤالات است: (۱) مسکن دوره قاجاریه براساس چه رویکردهایی چه بوده است؟ و آیا رویکردهای مسکن عصر کنونی با رویکردهای گذشته تطابق دارد؟ (۲) چه فضاهایی در خانه به عنوان مهم‌ترین فضاها محسوب می‌شدند؟ و نگرش به فضاهای باز، نیمه‌باز و بسته به چه صورتی بوده است؟ بنابراین در این پژوهش ابتدا با بررسی فضاهای باز، نیمه‌باز و بسته در یازده مورد از خانه‌های دزفول، ویژگی‌های مهم کمی و کیفی آن شرح داده می‌شود و سپس با نقد و تحلیل نتایج حاصل از برنامه export choice که با استفاده از جداول تکمیل شده توسط متخصصان به دست آمده است، رویه‌ها و فضاهای خانه در این منطقه ارزیابی می‌گردد.

چارچوب مفهومی

معماری بافت قدیم و عرصه‌بندی‌ها: قرار داشتن دزفول در اقلیم گرم و نیمه‌مرطوب باعث ایجاد بافت شهری و فرم ابنیه‌ای شده که حالت بینابین با بافت شهری و فرم ابنیه در دو منطقه گرم و خشک و گرم و مرطوب است (قبادیان، ۱۳۸۲). بافت شهری دزفول به صورت فشرده و پیوسته بوده و در ساختمان‌سازی و ایجاد شهر ملاحظات اقلیمی در نظر گرفته شده است. میان مفهوم شهر پایدار و مفاهیم «تراکم و فشردگی» روابط معنی‌داری وجود دارد؛ چرا که تأمین آسایش اقلیمی صرفه‌جویی در مصرف انرژی به علت تقلیل سطوح ابنیه و بافت شهری در معرض تابش خورشید و از طریق ایجاد فشردگی صورت می‌پذیرد (گلکار، ۱۳۷۹). اکثر خصوصیات که در شهرهای حاشیه کویری وجود دارد، در اینجا نیز دیده می‌شود، مانند: فضاهای محصور و کوچه‌های پیچ در پیچ. کوچه‌ها باعث اتصال فضاهای شهری می‌شود (قبادیان، ۱۳۸۲). ساختمان‌ها توسط کوچه‌هایی تنگ و باریک، با محصوریت بالا و جداره‌های بلند که اکثراً دو یا سه طبقه دارند، احاطه شده تا حداکثر سایه را داشته باشند. سه نوع عرصه خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی در بافت قدیم دزفول به طور شاخص وجود دارد (شکل ۱). عرصه‌های عمومی، معابر و شریان‌های اصلی حرکت و همچنین میادین را شامل می‌شوند. فضاهای نیمه‌خصوصی با عقب‌نشینی ورودی و ایجاد خواجه‌نشین یا کوچه‌های بن‌بست که دارای درب ورودی برای تعدادی از خانه‌های مجزا است، شکل گرفته و خصوصی‌ترین عرصه فضایی

مسأله پیوند بنای جدید با بافت قدیمی در ساخت و ساز مسکن جدید ایران، با سابقه‌ای که از آن مشاهده شده، منتفی است. از طرف دیگر، با استفاده از مصالحی مانند سیمان، آهن، آجر و شیشه، تضاد آن با بناهای سنتی به طور کامل آشکار می‌شود و از این رو، در تعلیمات شهرسازی و معماری، امروزه توجه چندانی به تجزیه و تحلیل علمی و عینی معماری گذشته و نحوه ارتباط آن با مسائل اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی نمی‌شود (کارشناس، ۱۳۷۶، ۳۸). نقش غنی و زیبای جامعه سنتی، نتیجه غنا و زیبایی تار و پود معنوی آن است که طرح‌ها و نقش‌های کلی را به هم پیوند می‌دهد. اصول معنوی حاکم بر معماری سنتی ایران، ریشه‌های عمیقی در فرهنگ و اندیشه‌های این مرز و بوم داراست (محمودی و سیفیان، ۱۳۸۶). معماری سنتی را می‌توان گنجینه‌ای سرشار از مفاهیم و رویکردهای انسانی دانست که در جهت توجه به امنیت و آسایش ساکنان خانه عمل می‌نموده است (مهدوی نژاد، ۱۳۸۱، ۳۳-۳۲). بافت‌های تاریخی امروز، بخشی از بافت شهرهای کشور است که از یک یا دو قرن گذشته و حتی نیمه اول قرن حاضر به یادگار مانده‌اند. اکثر آنها علی‌رغم واجد ارزش بودن از نظر تاریخی - فرهنگی رو به فرسودگی نهاده‌اند، گرچه ضرورت حفظ، احترام و بازآفرینی ارزش‌ها در این گونه بافت‌ها، همواره مورد توجه معماران، برنامه‌ریزان و طراحان شهری بوده است (ماجدی، ۱۳۸۹، ۸۷). با انقلاب صنعتی و نتایج این دوره که منجر به پیشرفت تکنولوژی شد، بسیاری از مسکن‌های سنتی به یکباره دستخوش تغییرات و تحولات زیادی گردیدند و از معماری گذشته به عنوان «کهنه‌پرستی» یاد شد؛ در حالی که این غفلت‌کاری سبب از دست‌رفتن بسیاری از سازگاری‌های معماری با طبیعت پیرامون خود و نزول معنای «سکونت» به «قرار گرفتن در زیر سقف» شده است. در صورتی که سکونت را نوعی تلاش انسان برای کنترل و تسلط بر محیط اطراف و روابط دانست، می‌توان به این نتیجه رسید که مسکن، امروزه در برگیرنده این مفهوم نیست. توجه به اقلیم و بوم یکی از مهم‌ترین مسائل در طراحی مسکن در گذشته محسوب می‌شد که از نمونه‌های آن می‌توان به فرم حیاط مرکزی یا توجه به باد اشاره نمود به عبارت دیگر عوامل تسریع‌کننده جریان هوا، مانند فرم بام (مهدوی نژاد، ۱۳۹۲، ۳۸) بخشی از تدابیر اقلیمی موجود در معماری بومی ایران و نشان از حکمت معماری بومی (مهدوی نژاد، ۱۳۸۳) نیز هستند. علاوه بر آن، فرم هندسی پنجره‌ها، امروزه بخشی از هویت معماری محسوب می‌شوند (مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۱۴)؛ موضوعی که در اغلب کشورهای حاشیه خلیج فارس به عنوان هویت بومی مبتنی بر آسایش اقلیمی از آن یاد می‌شود (مهدوی نژاد، ۱۳۹۳، ۵۰). از این رو این پژوهش سعی دارد با بررسی موردی معماری گذشته

- فضاهای واسطه‌ای: فضاهایی که یا کاملاً ارتباطی هستند و یا علاوه بر ارتباطی بودن، گاهی فضای زیستی هم محسوب می‌شوند و یا عملکردهای دیگری نیز علاوه بر خصلت ارتباطی می‌یابد. دهلیز غلام‌گردش از نوع اول این گروه فضاها است. ایوان، سکو یا خرنده و گوشوار از نوع دوم و هشتی از نوع سوم به شمار می‌آیند. فضاهای خدماتی: فضاهایی که عملکرد خدماتی دارند، خواه خدمات بهداشتی یا نگهداری وسایل یا آشپزی و غیره. آشپزخانه، مستراح، دزدانه، پستو، انبار و طویله در این گروه قرار دارند.

- فضاهای باز: این فضاها ارتباط‌دهنده فضاهای واحد مسکونی به هم بوده و در عین حال عملکرد زیستی و گاه خدماتی دارند. حیاط و بام در این گروه فضاها قرار می‌گیرند (حبیبی، ۱۳۷۱، ۳۷ و ۳۹).



شکل ۱. کروکی از فضاهای عمومی شهری

نگرش‌های گذشته (ویکردهای طراحانه)

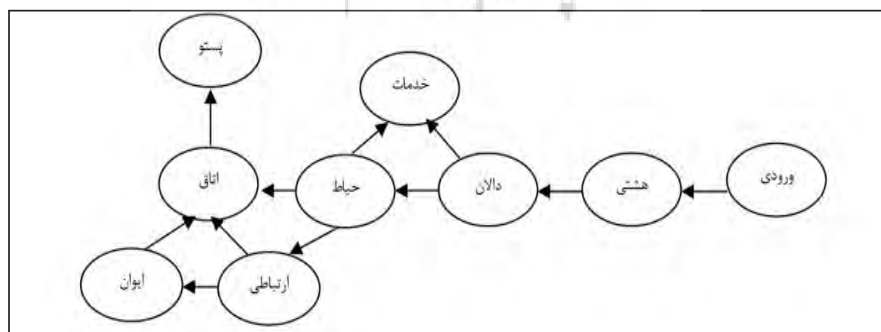
در بیشتر سفرنامه‌ها به مسائل اقلیمی، فرهنگی - اعتقادی، زیباشناختی و اجتماعی منطقه پرداخته شده است. این موارد برخی از ویژگی‌های یک منطقه را توصیف می‌نمایند. در ادامه به بررسی ویژگی‌های منطقه دزفول در دوران قاجار با توجه به توصیف‌های صورت گرفته، پرداخته شده است. در دوران قاجاریه، نفوذ دین در اعتقادات و باورهای مردم بسیار زیاد شد. در سفرنامه هنری لایارد آمده است «خوانین هر کدام قسمتی از شهر را در اختیار داشتند. خوانین دزفول مانند شوشتر همه سید و طبعاً تمام بستگان و رعایای آن افرادی متدین و دارای اعتقادات تند مذهبی بودند» (لایارد، ۱۳۷۱، ۲۹۲-۲۹۸). سفرنامه‌نویسان در فرهنگ عمومی و ارتباطات اجتماعی ایرانیان تمایل به تعاملات اجتماعی را ویژگی جالب توجهی دیده‌اند و در این مورد به مواردی همچون زیرکی و شجاعت و در مورد آداب معاشرت به مراسم دید و بازدید و پذیرایی جذاب، مراسم استقبال و بدرقه، مهمان‌نوازی، سیر و سفر و خوشگذرانی، شوخ طبعی و بذله‌گویی

دزفول را می‌توان فضاهای خانه دانست که معمولاً با دالانی طویل از فضاهای بیرون مجزا می‌گردند.

عناصر خانه ایرانی

فضاهای واحد مسکونی در خانه‌های دزفول را می‌توان در چهار گروه فضاهای زیستی، واسطه‌ای، خدماتی و باز دسته‌بندی کرد (شکل ۲):

- فضاهای زیستی: در گروه اول فضاهایی قرار می‌گیرند که در شیوه زندگی سنتی، عملکردی چندگانه را پذیرا می‌شدند. فضاهایی چون نشیمن، پذیرایی، اتاق خواب و غذاخوری، بسته به موقعیت قرارگیری فضا در واحد مسکونی، تناسب و ابعاد آن، در زمان خاصی از شبانه‌روز یا ماه و یا فصل مورد استفاده بودند. در این گروه این فضاها دیده می‌شوند: اتاق، غرفه، تالار، شبستان و شوادان.



شکل ۲. دیاگرام همجواری فضاهای خانه در دزفول

اشاره نموده‌اند (سپنجی، ۱۳۸۸، ۸۶). همچنین دوید^۲ خاطره‌های خوبی از مهمان‌نوازی دزفولیان و به‌ویژه حاکم دزفول دارد و می‌گوید: چون مهمان مصطفی قلی خان بودم، به‌زودی ظاهر شد و با جملات تعارف‌آمیزی مانند «خانه مال شماست» و «جای شما خالی بود» و نظایر آن به من خوش آمد گفت. میزبانم را مردی بسیار خوش-مشرب و مطلع دیدم (دوبد، ۱۳۷۱، ۵۰-۲۴۸). در مورد خنک بودن فضای بناهای دزفول و تمهیدات اقلیمی نیز دیولافوا^۳ در کتاب «ایران، کلد و شوش» می‌نویسد: منشی‌ها از گوارایی آب دزفول و خنکی زیرزمین‌هایی که در تپه‌های زیر شهر حفر شده، تعریف می‌کردند (دیولافوا، ۱۳۶۹، ۶۹۸). کوچه‌های سایه‌انداز، حیاط‌های محصور، استفاده از پشت بام و شوادان از مهم‌ترین نکات اقلیمی ذکر شده در سفرنامه سیاحان بازدیدکننده از شهر دزفول می‌باشد. لازم به ذکر است وجود منابع آب در دزفول، امکانات متعددی را از لحاظ اقتصادی فراهم می‌آورد. آب فراوان و زمین‌های مستعد کشاورزی باعث توسعه کشاورزی و دامداری در این شهر شده‌است. عوامل طبیعی که در اقتصاد سیستم تأثیر دارد، ایجاد ساختار شهری که اساس آن بر اقتصاد استوار است، می‌نماید (نعیما، ۱۳۷۶).

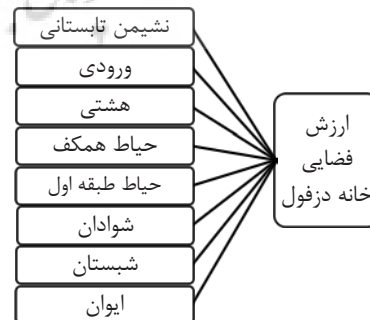
روش تحقیق

نظر به اینکه موضوع مورد بررسی مسکن بومی در شهرستان دزفول است و به دلیل ماهیت آن در مطالعات، از روش پژوهش موردی و شبیه‌سازی کامپیوتری استفاده می‌شود که در آن یازده واحد مسکونی واقع در بافت قدیم که از نظر متخصصان، متعلق به دوره قاجاریه است و ویژگی‌های این دوره را ارائه می‌نمایند، مورد بررسی قرار گرفت و اطلاعات کمی آن که در ادامه آورده شده است، در اختیار ۱۵ نفر از

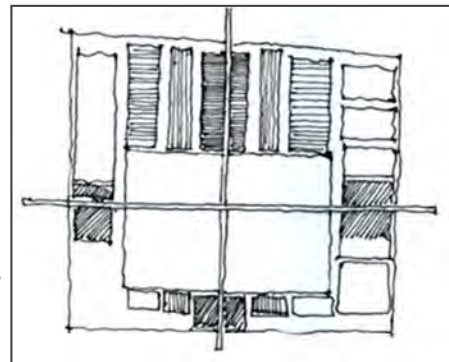
متخصصان آشنا با معماری منطقه قرار گرفت. از این رو جداول حاکی از اهمیت رویکردها^۴ در فضاهای مختلف و میزان اهمیت فضاهای^۵ مختلف در خانه‌های بومی دزفول تکمیل گردید. با استفاده از تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها در برنامه expert choice، پنج رویکرد اقلیمی، فرهنگی - اعتقادی، زیباشناختی، اقتصادی و اجتماعی به عنوان متغیرهای تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفت. این روش ارزیابی چند معیاری، ابتدا در سال ۱۹۸۰ به وسیله توماس دل‌ساعتی^۶ پیشنهاد گردید. اولین قدم در این فرایند ایجاد یک ساختار سلسله‌مراتبی^۷ از موضوع مورد بررسی می‌باشد که در آن اهداف، معیارها، گزینه‌ها و ارتباط بین آن‌ها نشان داده شود. چهار مرحله بعدی در فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی، محاسبه وزن (ضریب اهمیت) معیارها، محاسبه وزن گزینه‌ها، محاسبه امتیاز نهایی گزینه‌ها و بررسی سازگاری منطقی قضاوت‌ها است (زبردست، ۱۳۸۰، ۱۳). لذا در این پژوهش پنج رویکرد فوق‌الذکر با توجه به جدول وزن‌دهی با هم دو به دو مقایسه گردید (جدول ۱). روایی با توجه به مراجعه به آرا متخصصان تحقق یافته است و پایایی پژوهش نیز با توجه به نوع امتیاز بندی و انتخاب تعداد نمونه‌های کافی که براساس مدل کوکران در حد تمام پژوهشی است، تأمین می‌شود. برای تحلیل این رویکردها، هشت فضای مهم که در اکثر خانه‌ها از ارکان ثابت به حساب می‌آیند، به عنوان معیار در نظر گرفته شد و اطلاعات آنها ارائه گردید. فضاها شامل ورودی، هشتی و دالان، حیاط، ایوان، نشیمن، شبستان، شوادان و مهتابی می‌باشد و وزن‌دهی بر طبق جدول زیر انجام خواهد گرفت (شکل ۳) لازم به ذکر است خطای فرایند فوق ۰/۰۷ درصد می‌باشد که در محدوده قابل قبول قرار دارد (ضریب خطا کمتر از ۰/۱ درصد قابل قبول می‌باشد)

جدول ۱. جدول وزن‌دهی برنامه expert choice

تعریف	امتیاز (شدت ارجحیت)
ترجیح یکسان	۱
کمی مرجح	۳
ترجیح بیشتر	۵
ترجیح خیلی بیشتر	۷
کاملاً مرجح	۹
ترجیحات بینابین (وقتی حالت‌های میانه وجود دارد)	۲، ۴، ۶، ۸



شکل ۳. فضاهای مورد ارزیابی به عنوان معیار در فرایند سلسله‌مراتبی



شکل ۵. الگوهای هندسی (مربع) برای حیاط و سازماندهی فضا براساس محور

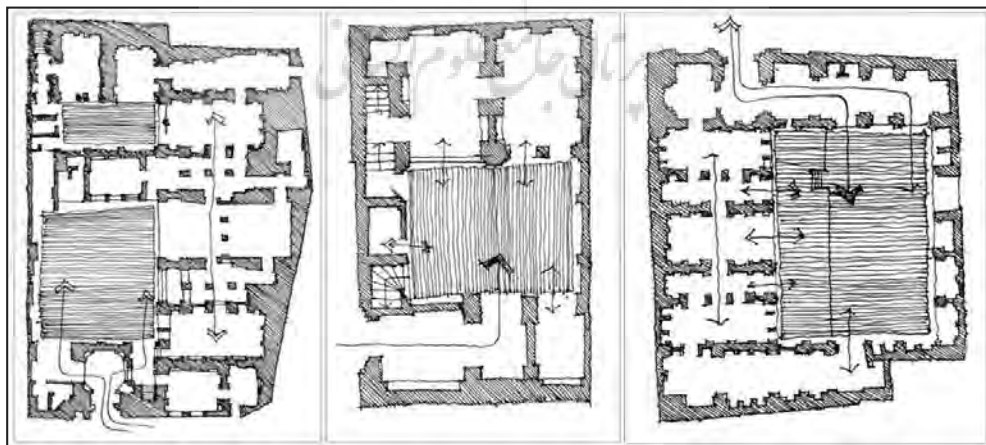
شکل ۴. کروکی از خانه بزی بزرگ با الگوی حیاط مستطیل شکل

تملیل نمونه‌های موردی

الگوی عمده مربع و مستطیل می‌باشند و از اصلی‌ترین الگوهای حیاط در دزفول به شمار می‌روند. دیگر الگوهای هندسی مانند دوزنقه، چند ضلعی‌ها (هشت ضلعی) و حیاط‌های ترکیبی (از ترکیب دو الگوی هندسی یکسان یا متفاوت) از الگوهای هندسی ثانویه محسوب می‌شوند (شکل ۴ و ۵ و ۶).

حدود ۲۴ درصد از مساحت زمین در طبقه همکف به فضای حیاط اختصاص می‌یابد و در بسیاری از خانه‌های منطقه، فضای باز در طبقات و به بیان دیگر، حیاط‌های عمودی کاربرد ویژه‌ای دارد که با این رویه خلاقانه، فضای باز مکملی برای فضاهای مصنوع محسوب می‌شود و اکثراً در خانه‌هایی که درصد نسبی فضای باز در طبقه همکف کم باشد، کاربرد ویژه‌ای دارد و استفاده از آن به دو تا سه سطح تفکیک شده می‌رسد. خانه عباسی و اسماعیلی واقع در محله سیاهپوشان و خانه

فضاهای باز (حیاط): جریان‌ها نقش مهمی در آسایش اقلیمی ایفا می‌کند (مهدوی نژاد و جوانرودی، ۱۳۹۰، ۷۱) به همین سبب فضاهای باز مانند حیاط، به نحوی چشمگیر در بهبود کیفیت عملکرد اقلیمی بنا، موثرند (مهدوی نژاد و همکاران، ۱۳۹۳، ۳۸). الگوهای معماری حیاط دزفول را می‌توان به دو دسته هندسی و غیرهندسی تفکیک نمود. معماری این منطقه بیشتر با مفاهیم و اصول هندسی طرح‌ریزی می‌شود و با کاربرد خطوط منظم سعی در ایجاد طرح‌های ساده و نظم‌محور می‌شود. از مهم‌ترین ویژگی‌های الگوهای هندسی حیاط، محوربندی است. حیاط نقش سازمان‌دهنده را ایفا می‌نماید، بنابراین هندسه بنا در این الگو با توجه به هندسه حیاط مشخص می‌گردد و هندسه زمین در ساختار فضایی خانه تأثیر زیادی ندارد. طرح‌های هندسی شامل دو



شکل ۶ نمونه‌ای از پلان و الگو حیاط در خانه‌های دزفول (به ترتیب از راست به چپ: خانه تیزنو، شایگان، قلمبر).

اقلیمی آشکار می‌شود و با در آغوش گرفته شدن فضا، آن محوطه از پیرامون جدا می‌گردد. این فضا علاوه بر ایجاد شرایط آسایش حرارتی مناسب، نقش‌های زیادی از جمله سازمان‌دهی فضاهای پیرامون و واسطه بودن میان فضاها را برعهده دارد. بنابراین حیاط را می‌توان

کوهی نژاد در محله قلعه نمونه‌هایی از کاربرد این ایده می‌باشند. حیاط همیشه به وسیله محصوریت تعریف شده، که خود به خود به وجود آورنده جهانی درونگرا است (حیب، ۱۳۸۵، ۳۳). حدود ۶۴٪ درصد از حیاطها از سه یا چهار جهت محصورند. با محصوریت بیشتر فضا، نوعی رویکرد

جدول ۲. جدول ارزیابی فضای باز در خانه‌های دوره قاجاریه در دزفول

ردیف	خانه	مساحت	سطوح سکونت	ارتباط با کوچه			شکل	طول	عرض	نسبت طول به عرض	نسبت طول بنا به حیاط	ارتفاع پیرامون حیاط	درصد نسبی فضای باز	تعداد سطوح باز	فضای سبز	فضای آبی	محصوریت	فاصله حیاط از ورودی
				سه طرفه	دو طرفه	یک طرفه												
۱	داعی	۷۱۶	۲			مربع	۱۴/۹	۱۴	۱	۲	۵	۳۰٪	۱	-			۱۲	
۲	عباسی	۴۴۶	۳			مستطیل	۱۰	۶/۷	۱/۵	۲/۵	۷/۲	۱۴٪	۲	-	-		۵	
۳	اسماعیلی	۳۹۱	۲			مربع	۸/۱	۷/۵	۱/۱	۳/۷	۴/۹	۲۰٪	۲	-	-		۹/۲	
۴	قلمبر	۶۸۸	۴			مستطیل	۱۲	۱۰	۱/۲	۲/۸	۹/۶	۲۳٪	۳	-	-		۸	
۵	گوشندی	۱۴۵	۲			مستطیل	۸/۱	۴	۲	۲	۷/۴	۲۱٪	۱	-	-		۳/۸	
۶	کوهی نژاد	۲۵۳	۳			مستطیل	۸/۲	۴/۸	۱/۷	۲/۵	۸/۴	۱۵٪	۳	-	-		۸/۵	
۷	ابراهیمی	۱۷۸	۲			مربع	۷/۴	۷/۳	۱	۲	۳/۹	۳۰٪	۱	-	-		۱۰/۵	
۸	شاهرکی	۴۳۵	۳			مربع	۸/۳	۸/۲	۱	۲/۴	۵/۱	۱۴٪	۱	-	-		۱۱	
۹	شایگان	۱۴۸	۴			مربع	۶/۳	۵/۹	۱	۲/۵	۶/۲	۲۵٪	۳	-	-		۶/۳	
۱۰	تیزو	۴۷۰	۴			مستطیل	۱۵/۲	۱۰	۱/۵	۳	۱۱	۳۳٪	۳	-	-		۵	
۱۱	شمس دین	۱۸۸	۴			شکل L	۱۱/۵	۸/۲	۱/۴	۱/۴	۶/۷	۴۰٪	۲	-	-		۴	
۱۲	میانگین	-	۳	-	-	-	-	-	-	۱/۳	۲/۳	۲۴٪	۲/۱	۱/۱۸	۱/۳۷	۶۴٪	۷/۶	

منطقه در این دوران از کاربرد آب پرهیز می نمودند. طبق بررسی انجام شده از یازده خانه مورد مطالعه، پوشش گیاهی یا فضاهای آبی فقط در دو خانه طرح ریزی شده بود. (جدول ۲)

فضاهای نیمه باز (ایوان): ایوان نمایشگر امکانات تعیین و تحدید

فضایی فرا اقلیمی دانست که شکل گیری آن علاوه بر اقلیم، تحت تأثیر بسیاری از رویکردها از جمله اعتقادی - دینی و اجتماعی است. لازم به ذکر است در معماری دزفول به دلیل شرایط آب و هوایی منطقه، عناصر منظر به ندرت در فضاهای خانه ایجاد می گردید و اکثر خانه های این

جدول ۳. جدول ارزیابی فضای نیمه باز در خانه های دوره قاجاریه دزفول

فضای نیمه باز														
فضای نیمه باز همگف					فضای نیمه باز طبقه اول									
ردیف	خانه	مساحت کل	الگو	تعداد	مساحت	درصد	اختلاف ارتفاعی با حیاط	ابعاد			موقعیت			
								طول	عرض	ارتفاع				
								شرق	غرب	شمال	جنوب			
۱	داعی	۷۱۶	مستطیل	۲	۳۳۶	۴۷/۵٪	+۳	۶	۳	۴/۴				
۲	اسماع	۴۴۶	مستطیل	۳	۲۲	۴/۷٪	+۲	۳/۲	۲/۳	۳/۲				
۳	اسماعیلی	۳۹۱	مستطیل	۳	۱۴۵	۵٪	+۱	۳/۵	۲/۱	۴/۲				
۴	قلمبر	۶۸۸	مرع و مستطیل	۶	۷۰	۱۰٪	+۱/۱	۴/۹	۴/۷	۸/۶				
۵	رخ گوسفندی	۱۴۵	مرع و مستطیل	۲	۲۱	۱۴/۵٪	+۲	۴/۲	۳/۹	۳/۳				
۶	کوهی نژاد	۲۵۳	مستطیل	۳	۳۳	۱۳٪	+۲	۵/۶	۳/۲	۴				
۷	ابراهیمی	۱۷۸	مستطیل	۲	۱۷،۴	۱۰٪	+۲	۴/۲	۲/۱	۳/۵				
۸	شاهرکی	۴۳۵	مستطیل	۲	۳۰	۷٪	۰	۷	۲/۶	۳/۴				
۹	شایگان	۱۴۸	مستطیل	۳	۲۶،۷	۱۸٪	+۲/۲	۵/۶	۳	۳/۲				
۱۰	تیزنو	۴۷۰	مستطیل	۷	۷۲	۱۵/۳٪		۷	۳/۵	۵/۲				
۱۱	شمس دین	۱۸۸	مستطیل	۳	۱۲،۲	۱۲/۲٪	+۲	۴/۵	۳	۴/۷				
میانگین									۳/۹	۳				۱۰/۳٪

جدول ۴. جدول ارزیابی فضاهای مصنوعی خانه‌های دوره قاجاریه

ردیف	خانه	تعداد فضاهای مصنوعی	ابعاد ساختمان			عمق فضاها از حیاط	درصد نسبی بازشوها به محیط حیاط					نورگیری فضای بدون نورگیری					
			طول	عرض	ارتفاع		شمال	جنوب	شرق	غرب	شمال		جنوب	روبه شرقی	روبه غربی		
۲۱	میانگین	۲۱	-	-	-	۴/۵	۷/۳	۴/۵	۵/۱	۵۶٪	۴۶٪	۴۰٪	۴۴٪	۳۹٪	۱۱/۸	۴/۹	۲/۳

فضاست و به نوعی «طریقت» یا فضای انتقالی بین عوالم زمینی و زمانی محسوب می‌شود. از دیدگاه ماواری طبیعی، ایوان می‌تواند مقام نفس به شمار آید که میان باغ یا حیاط در حد روح و اتاق در حد جسم سیر می‌کند (اردلان و بختیار، ۱۳۸۲، ۲۲). ایوان هم به لحاظ صوری و هم مفهومی، نقطه گذار از زمین به آسمان است (محمودی، ۱۳۸۴، ۵۵). در معماری دزفول، ایوان نقش واسط بین فضاهای باز مانند حیاط و فضاهای مصنوعی و اتاق‌ها را ایفا می‌نمود. اتاق و ایوان غالباً در مجاورت هم قرار می‌گیرند و هر کدام یک جانب مشترک با حیاط دارند. در مسکن سنتی متقدم‌تر (متعلق به دوره صفوی) بین اتاق و ایوان فضایی ارتباطی به نام غلام‌گردش قرار داشته که در سیر تحول مسکن حذف شده است. دسترسی به اتاق از طریق ایوان بوده و بدین ترتیب ایوان خاصیتی ارتباطی و زیستی داشته است. در مواردی که امکانات زمین و امکانات اقتصادی وجود داشته، یک لایه دوم فضا پشت لایه اول قرار می‌گیرد. به دلیل نداشتن امکان نورگیری مستقیم در این فضاها، در فصول گرم فضای مناسبی برای فرار از گرما بوده‌اند. ایوان‌ها در مواردی به اندازه دو طبقه ارتفاع دارند و در طبقه دوم فضاهای مجاور به آن دید پیدا می‌کنند (حیبی، ۱۳۷۱، ۴۳). الگوی غالب آنها مستطیل شکل می‌باشد به طوری که در بیش از ۷۳ درصد از خانه‌های منطقه، ایوان دارای تناسب طول به عرض بین ۱/۵ تا ۲ می‌باشند و از عرض با حیاط و فضای باز در ارتباط هستند. بدین ترتیب با ایجاد عمق، ضمن دریافت نور، شرایط بهینه آسایشی و حرارتی را برای ساکنین فراهم می‌آورند. در خانه‌های فرودست، میان دست و فرادست به ترتیب حدود ۵/۳ و ۷ الی ۸ ایوان در الگوی مسکن طرح‌ریزی می‌شد. بنابراین ایوان تحت تأثیر وضعیت اقتصادی مالک نیز بوده است. ایوان با سازماندهی فضای مصنوعی و بسته پیرامون خود، نقش مهمی را در ایجاد سلسله‌مراتب ایفا می‌نماید، به نوعی مقیاس کوچک حیاط به حساب می‌آید. اکثر عملکردهای آن را دارا است و حداقل در دو جهه حیاط بروز می‌یابد. در جدول بالا تعدادی از ویژگی‌های کمی و

الگوهای ایوان در خانه‌های منطقه ذکر شده است. (جدول ۳) فضاهای مصنوعی و بسته: خانه‌های دزفول به طور متوسط دارای بیست و یک فضای تفکیک شده‌اند که حدود دوازده فضای آن برای نشیمن در ساعات مختلف شبانه‌روز مهیا گردیده است؛ البته در بعضی از خانه‌ها این تعداد به پنج فضا نیز کاهش یافته است، مانند خانه میرزا ابراهیمی. از بین فضاهای تابستان‌نشین بزرگترین آن در مواقع پذیرایی از مهمانان مورد استفاده قرار می‌گرفت و عمدتاً تزئینات غنی تری نسبت به دیگر فضاها دارا بود. بیشتر فضاهای خانه دارای نورگیری مستقیم می‌باشند (۶۲ درصد) و حداقل در یک وجه با حیاط مرز مشترک دارند. تناسبات به نحوه‌ای است که بُعد بزرگتر بر حیاط عمود می‌باشد و ضلع کوچکتر بر محیط حیاط انطباق پیدا می‌کند (تناسبات عمده ۲ به ۱) و حدود ۲۶٪ از فضاهای مصنوعی نیز لازم برای فضا را از ایوان و فضاهای نیمه‌باز تأمین می‌نمایند. (جدول ۴)

رویه شمالی و جنوبی دارای بیشترین اهمیت در طراحی فضاهای زیست و نشیمن اصلی است. عمدتاً فضاهای تابستان‌نشین در ضلع جنوبی حیاط قرار می‌گیرند (حدود ۶۴٪ از خانه‌ها) و به‌ندرت ضلع‌های شرقی و غربی به این کاربری اختصاص می‌یابند. قسمت شمالی حیاط (دارای رویه جنوبی)، فضای نشیمن زمستانی می‌باشد و برای بهره‌گیری بیشتر از نور خورشید در زمستان از جبهه‌ای که طول بزرگتری دارد با حیاط هم‌جوار گردیده و سعی شده پنجره‌ها نیز در محور اصلی و یا به بیانی دیگر در وسط اضلاع قرار گیرد. همچنین از قرار دادن پنجره‌های این جبهه در گوشه‌ها به دلیل ایجاد سایه بر روی پنجره خودداری شده است. در معماری سنتی دزفول، فضاهای واحد مسکونی در کنار هم چیده می‌شوند و بر ترتیب قرارگیری آنها نظم خاصی حاکم است که ناشی از سنت‌های زیستی، نحوه معیشت و تولید، سازگار ساختن فضای مسکونی با اقلیم و موقعیت ابعاد زمین است؛ از این رو در این نظام اصل بر وجود حیاط در مرکز خانه و چیده شدن فضاها به دور آن است. با حرکت از این اصل، بسته به ابعاد زمین و موقعیت اقتصادی

- اختصاص درصد قابل ملاحظه‌ای از سطح خانه: این فضا به طور متوسط ۲۴ درصد از مساحت زمین در طبقه همکف را شامل می‌گردد و در طبقات نیز با عقب‌رفتگی فضاهای مصنوع، نوعی فضای باز ایجاد می‌نماید.

- عنصر اصلی فرم‌دهنده: در هندسه‌های نامنظم زمین در مناطق بافت، معمولاً با ایجاد الگوهای مناسب برای حیاط، نوعی سازماندهی را برای بنا تعریف می‌کردند. بنابراین در گذشته، نقطه شروع ساخت و طراحی، فضای حیاط بوده است.

- کاربردها و نقش‌های حیاط: حیاط خانه به دلیل قرارگیری در مرکز خانه، محل تقسیم عملکردها بوده و قابلیت تبدیل به فضایی جمعی برای میهمانی‌ها و جشن‌ها را داشته است. ایجاد حریمیت و حفاظت از زنان، کارکردهای اقلیمی و ایجاد خرد اقلیم، ارتباط بصری و کالبدی داخل و خارج و در نتیجه تقویت اصل شفافیت و سیالیت و همچنین عرصه زندگی خانوادگی و ایجاد حریمی امن از دیگر نقش‌های حیاط بوده است.

از دیگر فضاها نیز به ترتیب ایوان، نشیمن تابستانی و شوادان با اهمیت‌ترین فضاهای مسکن در دزفول به شمار می‌آمدند. در معماری سنتی ایران، فضاهای باز، نیمه‌باز و بسته در امتداد یکدیگر معنا می‌یافتند؛ به این معنا که فضاها به تدریج درجه باز و بسته بودن خود را از دست می‌دهند، به نحوی که یکی به دیگری تبدیل می‌شود (خانری، ۱۳۷۴، ۳). گذشته از این‌ها، ایوان در فصول گرم کاربرد بسیاری داشته است و عملکردهای فراوانی در آن اتفاق می‌افتاد. همچنین سبب تعدیل هوای اتاق‌های پشت خود در فصول گرم می‌گردید و از لحاظ اقلیمی ارزش زیادی را برای مسکن آن زمان به ارمغان می‌آورد. با توجه به مطالب مذکور، فضاهای باز و نیمه‌باز با اهمیت‌ترین فضاها در طراحی خانه محسوب می‌شدند و سیر نگرش از فضای باز به بسته سبب تعریف فضایی خانه‌ها می‌گردید.

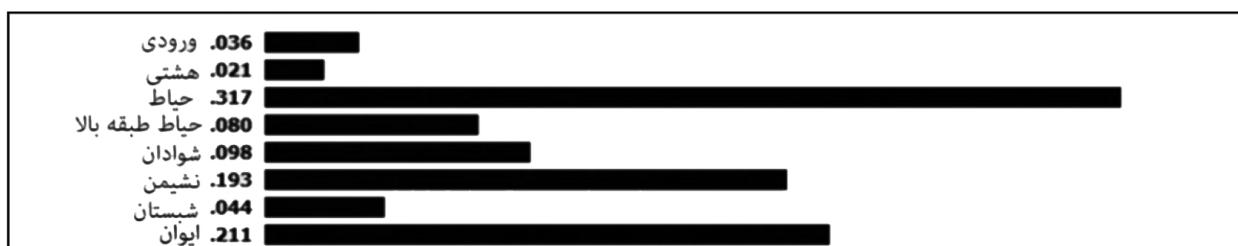
صاحب خانه، فضاهای واحد مسکونی با ابعاد و تناسباتی مناسب در اطراف این حیاط شکل می‌گیرند. گرچه گرایش در جهت تطابق با مناسب‌ترین جهت‌های اقلیمی است، اما اگر موقعیت و ابعاد زمین چنین امکانی را میسر نسازد، فضاها در جهت‌های دیگر قرار می‌گیرند. در این حالت مسأله سازگار ساختن محیط و فضای مسکونی با جهت نامناسب اقلیمی با استفاده از تمهیدات معماری مطرح می‌شود. مصالح مشابه، تبعیت از نظام ساخت و سازماندهی همسان الگوهای یکسان در نماها و انواع فضاهای واحد مسکونی، وحدتی را بین مجموعه واحدهای مسکونی پدید می‌آورد (حبیبی، ۱۳۷۱). مطالعات در مسکن سنتی دزفول نشان می‌دهد که معمولی‌ترین تناسبات درها به صورت ۱ تا ۱/۵ در ۲ تا ۲/۲ متر است و پنجره‌ها به صورت عمودی و به نسبت ۲/۱ می‌باشد. تعداد بازشوها به ابعاد واحد پایه، نیازهای فضای پشت بازشو، موقعیت قرارگیری جبهه نمای ساختمان و تناسبات کلی بستگی دارد. در مسکن سنتی برای ساختن درها و پنجره‌ها از چوب استفاده شده است و قسمت‌های شیشه‌خور را با چوب به اجزای کوچکتری تقسیم می‌کردند تا نور کمتری به داخل ساختمان نفوذ کند.

۱۱ بخت و نتایج

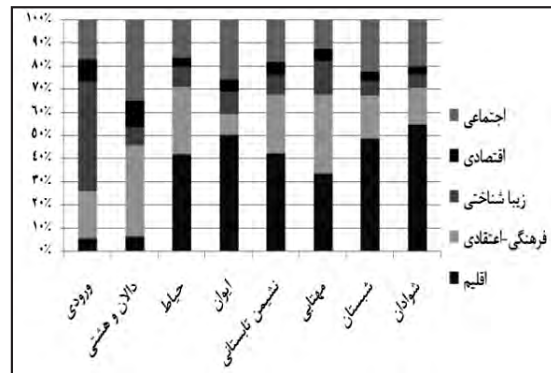
با استفاده از جداول تکمیل شده توسط متخصصان آشنا با معماری منطقه و همچنین کمک گرفتن از برنامه export choice نتایج حاصل گردید که در ادامه تحلیل شده است.

۱۲ اهمیت فضایی

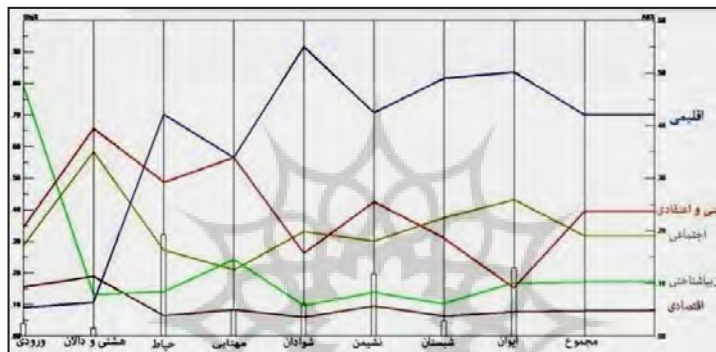
نتایج نشان‌دهنده اهمیت فضایی حیاط است؛ به نحوی که حیاط در بین هشت فضای مورد بررسی نزدیک به ۳۳ درصد از اهمیت کلی را شامل می‌گردد. (شکل ۷) اهمیت فضای باز یا حیاط را از چندین جهت می‌توان بررسی نمود:



شکل ۷. اهمیت فضایی در خانه‌های دزفول



شکل ۸. تحلیل عناصر معماری و کیفیت به کارگیری آن در خانه‌های ایرانی دوران قاجار



شکل ۹. تحلیل اولویت‌بندی رویه‌های تأثیرگذار بر فضاها معماری

بررسی رویکردها

است. در گرمای ۴۵ درجه دزفول، دمای شوادان در حدود ۲۵ درجه است؛ لذا می‌توان این فضا را به عنوان پاسخی مناسب برای گریز از گرمای شدید منطقه محسوب نمود. با توجه به مباحث ذکر شده، مهیا نمودن بهترین شرایط محیطی، دغدغه اصلی معماران بومی منطقه بوده است. در نمودار زیر، خلاصه‌ای از توجه به این رویکرد دیده می‌شود. (شکل ۱۰)

از دیگر رویه‌های تأثیرگذار بر طراحی فضا که به عنوان دومین عامل مهم در مفهوم و کالبد مسکن دزفول شناخته شده، رویکرد فرهنگی-اعتقادی است. این رویکرد نیز در اکثر فضاها مخصوصاً ورودی، دالان و حیاط از جمله تأثیرگذارترین مسائل به حساب می‌آید. عمده‌ترین تأثیر اعتقادات دینی، درونگرایی و توجه به محرمیت می‌باشد که در احادیث و آیات مختلف از جمله آیه‌های قرآنی ۳۷، ۲۷ و ۶۱ سوره مبارکه نور، ۲۳ سوره مبارکه نسا و ۲۳ و ۲۴ سوره مبارکه اسراء به حفظ حریم و محرمیت توصیه شده است. توصیه‌ای درباره مسکن از قرآن مجید:

اقلیم و ایجاد شرایط مناسب حرارتی در اکثر فضاها به عنوان اصلی‌ترین عامل تأثیرگذار بر طراحی فضا شناخته می‌شود؛ به گونه‌ای که طبق نمودار در طراحی شش فضا از هشت فضای مورد بررسی، تأثیر این رویکرد به عنوان تأثیرگذارترین عامل کاملاً مشخص است. البته باید به این نکته اشاره نمود که این رویه در طراحی و توجه به فضاها ورودی از جمله درب ورودی، هشتی و دالان ناچیز ارزیابی شده است، در حالی که در اکثر ورودی خانه‌های دزفول با تمهیداتی، سعی در ایجاد سایه و خنک نمودن فضای ورودی می‌شد و با توجه به کاربردهای اجتماعی این فضا، می‌توان نقش اقلیم را در فضاها ورودی بیش از درصد ترسیم شده در نمودار دانست. (شکل ۸ و ۹)

فضای شوادان نمود توجه به اقلیم در خانه‌های منطقه است. شوادان یک فضای خنک زیرزمینی در بناهای سنتی این منطقه است که با توجه به جنس بسیار محکم زمین، بدون اجرای دیوار و سقف و بعضاً با عمق بیش از ده متر از سطح زمین ایجاد می‌گردد. این فضای بومی معماری به عنوان کالبدی امن برای ساکنین ایفای نقش می‌نموده



شکل ۱۰. تحلیل مهم ترین الگوهای اقلیمی در خانه ایرانی (خانه های دزفول)

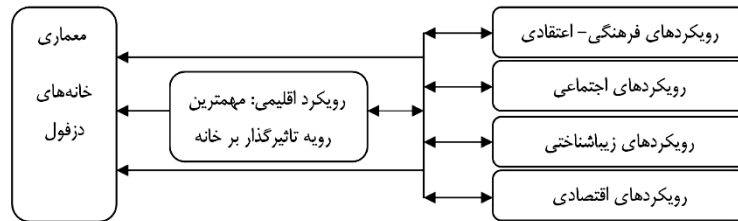
«وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (سوره نحل، آیه ۸۰)

در این آیه تصریح شده که خانه‌ها به گونه‌ای طراحی شود که برای صاحبان آن آرامش و احساس رضایت به ارمغان آورد. بنابراین در دوران قاجار و با توجه به جنبه‌های اعتقادی سعی می‌نمودند فضاها از محرمیت لازم برخوردار باشد و بدین سان آرامش لازم را برای فعالیت و آسایش افراد خانه ایجاد نمایند. به طور میانگین دالان که دارای ۷/۵ متر طول است، حیاط مرکزی و هشتی از نمودهای اهمیت این رویکرد در فضای معماری مسکن منطقه می‌باشد و با بستن دید به فضاهای درونی، پدیدار شدن این ارزش را آشکار می‌سازد.

هرچند در بعضی از فضاها مانند حیاط، ارزش زیباشناختی به عنوان رویکرد چهارم مطرح است، ولی این مسأله به معنای کم‌ارزش بودن چنین رویکردی نیست. ورودی ساختمان‌ها از نظر زیبایی‌شناختی ارزش بسیار دارند. عناصر ویژه‌ای که برای سردر ورودی مسکن دزفول به کار گرفته می‌شده، بسیار مورد توجه بوده است. سردرها نمادی از موقعیت اجتماعی صاحب‌خانه و نشانگر ذوق و سلیقه در کاربرد فنون معماری بوده‌اند. این تزئینات در مسکن سنتی بیشتر به کار می‌رفته و اندک‌اندک تا دوران میانی از میزان آن کاسته شده و سردرها ساده‌تر شدند، اما خصوصیات ظاهری آن از لحاظ کالبدی باقی مانده است.

در خانه‌های متمولین که درهای اندرونی و بیرونی مجاور هم بودند، سطح وسیعی از نما را سردر ورودی اشغال می‌کرد که با عقب‌نشستگی و پیشامدگی در نما، تزئینات متنوع و زیبای آجرکاری در بالای درهای ورودی، آن را برجسته کرده و در این میان، درب بیرونی موقعیتی ممتاز تر می‌یافت. در خانه‌های تهی‌دستان، تزئینات و جزئیات سردر ورودی بسیار کمتر و ساده‌تر بود. با این وجود، با مقداری عقب‌نشستگی و فرورفتگی یا پیشامدگی و تزئینات آجری ورودی باز هویت مستقلی می‌یافت.

با توجه به نمودارها و تحلیل‌ها، در بیشتر فضاها رویکردهای فرهنگی - اعتقادی به همراه مسائل اجتماعی بعد از روبه اقلیمی، مهم‌ترین رویکردهای طراحی خانه محسوب می‌شده است. این مسأله با توجه به اینکه دین اسلام، مسلمانان را به معاشرت با همسایگان خویش تشویق می‌نماید، تأیید می‌شود. همچنین بسیاری از تحقیقات انجام شده به رابطه تعاملی این دو رویکرد صحه گذاشته است. بنابراین این پژوهش نتایج اعظم آزاد و توکلی (۱۳۸۶) را تأیید می‌نماید. اعظم آزاد و توکلی (۱۳۸۶) تحقیقی با عنوان «فردگرایی، جمع‌گرایی و دین‌داری» انجام داده‌اند که نتیجه تحقیق آنها نشان می‌دهد جمع‌گرایی با همه ابعاد دین‌داری، ارتباطی مثبت و معنادار دارد.



شکل ۱۱. تحلیل جایگاه اقلیم در خانه ایرانی و ارتباط آن با سایر رویکردها

نتیجه گیری

اعتقادی و اجتماعی از جمله مسائل تأثیرگذار در طرح‌ریزی مسکن منطقه ارزیابی گردید؛ هرچند باید به این موضوع اشاره کرد که بسیاری از رویکردها با یکدیگر همخوانی دارند. بر این اساس، اقلیم و توجه به محیط با سایر رویکردها از جمله فرهنگی - اعتقادی، اجتماعی و زیباشناختی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، در بسیاری از موارد همخوانی دارد و به نوعی سبب ارتقاء کیفیات بروز یافته توسط سایر مسائل تأثیرگذار در خانه می‌گردید (شکل ۱۱). از مهم‌ترین نمونه‌هایی که این گونه هم‌راستا بودن رویکرد اقلیمی را با رویه فرهنگی - اعتقادی نشان می‌دهد، درونگرایی است که علاوه بر ایجاد محرمیت و سلسله‌مراتب، سبب ایجاد فضای بکر به دور از بادهای گرم و آفتاب سوزان منطقه می‌شود. همچنین معماران بومی منطقه جهت ایجاد محیطی برای تعامل با بیرون یا محیط اجتماعی می‌کوشیدند بهترین شرایط حرارتی جهت آسایش فرد میهمان را ایجاد نمایند که این مسأله نیز نشان‌دهنده تأثیر شرایط اقلیمی بر مسائل اجتماعی است. البته گاه مشاهده می‌شود که بناهای امروزی به دلیل نفوذ فناوری، توسعه امکانات و تجهیزات و ساخت مصالح جدید، بهتر و کاربردی شده‌اند، ولی فرایند این طراحی، علاوه بر از دست رفتن بسیاری از سنت‌های گذشته، وابستگی به انرژی، مقرون به صرفه نبودن و غیرصمیمی بودن را به ارمغان آورده است. از این رو با توجه به جایگاه اقلیم و عملکرد عناصری مانند شوادان و همچنین کیفیات فضایی که به دلیل توجه به چنین جنبه‌ای حاصل می‌شده، پیشنهاد می‌گردد در طراحی مسکن، به اقلیم، به عنوان یک اصل اساسی و هویتی در مسکن امروزی، توجه شود.

به طور کلی از مهم‌ترین اصول بارزش معماری گذشته که کمتر از دیگر مسائل اقلیمی مانند جهت‌گیری در بناهای امروزی بدان توجه شده، در حالی که می‌تواند به عنوان منبع الهام برای طرح‌ریزی مسکن امروزی استفاده شود، این موارد توصیه می‌گردد: (۱) تعریف فضاهای واسط در مسکن دوره کنونی؛ (۲) بازخوانی الگوهای کهن فضای باز و توجه با نقش‌های بارزش این فضا؛ (۳) توجه به الگوهای پر و خالی؛ (۴) استفاده و

مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که معماری سنتی دزفول در حد معناداری منطبق با شرایط محیطی، اقلیمی و فرهنگی شکل گرفته و دارای هویت خاص منطقه خود است. این معماری در مقیاس خرد و کلان، چه از نظر کالبدی و چه از نظر پایداری، به واسطه نوع نگرش به انسان و محیط، راهکارهای معماری ارزشمندی را فراهم آورده است. در واقع، معماری بومی در سازگاری با اقلیم سخت آن منطقه به راهکارهای بسیار مناسبی رسیده است که شناخت آنها راهگشای رسیدن به الگوهای مناسبی در فضاهای معماری معاصر است. بناهای بومی به دلیل استفاده از سوخت‌های غیرفسیلی و انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر، رشد ارگانیک در ساخت و نگهداری، استفاده از مصالح طبیعی بوم‌آورد مانند آجر، طراحی مناسب فضای پر و خالی در مقیاس خرد و کلان، جهت‌گیری درست ساختمان‌ها و استفاده از سیستم‌های غیرفعال پایدار بوده است. بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد در هر سه فضای باز، نیمه‌باز و بسته رویکردهای انرژی و کنترل شرایط محیطی مهم‌ترین اصل سازماندهی فضاها است و برای رسیدن به این منظور، از دل زمین و فضاهای مانند شوادان تا بام ساختمان را با تدابیر خاص قابل سکونت نموده‌اند. این تدابیر علاوه بر ایجاد آسایش و آرامش، سبب ارتقاء کیفیت فضایی در این گونه بناها گردیده است. به عنوان نمونه، می‌توان به تنوع فضایی حاصل از تناسبات فضاها اشاره نمود که با توجه به محیط، کارکرد فضای تابستانی و زمستانی و بسیاری موارد اقلیمی حاصل می‌شده است.

فضاهای باز و نیمه‌باز به عنوان فضاهای واسط، مهم‌ترین فضاهای جاری‌کننده الگوهای اقلیمی‌اند و به نوعی عاملی برای سازماندهی و تکرار الگوهای اقلیمی در سایر فضاها محسوب می‌شدند. این الگوها به بهترین صورت در فضای شوادان به عنوان نمود فضای اقلیمی مورد توجه قرار گرفته است. به طور کلی براساس این پژوهش، اقلیم به عنوان مهم‌ترین اصل و در درجات بعدی مسائل فرهنگی -

فهرست مراجع

۱. ———. (۱۳۸۶). *قرآن کریم*. (مهدی الهی قمشه‌ای، مترجم). قم: انتشارات مصطفی.
۲. اردلان، نادر؛ و بختیار، لاله. (۱۳۸۲). *حس وحدت*. نشر خاک، تهران.
۳. اعظم آزاده، منصوره؛ و توکلی، عاطفه. (۱۳۸۶). *فردگرایی، جمع‌گرایی و دین‌داری*. *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۹، ۱۲۵-۱۰۱.
۴. حائری، محمدرضا. (۱۳۷۴). *پژوهشی درباره کاربرد اصول معماری خانه‌های سنتی/ تاریخی در مسکن امروزی*. ج ۱ و ۳. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
۵. حبیب، فرح. (۱۳۸۵). *هماوایی نور و رنگ در فضای شهری ایرانی*. نشریه هنرهای زیبا. ۲۷، ۲۷-۳۴.
۶. حبیبی، محسن. (۱۳۷۱). *الگوی ساخت مسکن در شهرهای خوزستان - دزفول*. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۷. دود، بارون. (۱۳۷۱). *سفرنامه لرستان و خوزستان*. (محمدحسین آریا، مترجم). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. دیولافو، ژان. (۱۳۶۹). *ایران، کلد و شوش*. (شادروان علی محمد فره‌وشی، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۰). *کاربرد فرایند سلسله مراتبی در برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای*. نشریه هنرهای زیبا، ۱۰، ۱۳-۲۱.
۱۰. سپنچی، امیر عبدالرضا. (۱۳۸۸). *فرهنگ عمومی و ارتباطات اجتماعی ایرانیان از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی در دوران قاجاریه و پهلوی*. نامه پژوهش فرهنگی. ۱۰ (۳۱)، ۷۳-۹۸.
۱۱. سیفیان، محمد کاظم؛ و محمودی، محمدرضا. (۱۳۸۶). *محرमित در معماری سنتی ایران*. هویت شهر، ۱(۱)، ۳-۱۴.
۱۲. قبادیان، وحید. (۱۳۸۲). *بررسی ابنیه سنتی ایران*. چاپ دوم. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ.
۱۳. کارشناس، مجید. (۱۳۷۶). *مسکن، معماری، شهرسازی معاصر و ته‌اجم فرهنگی*. نشریه علوم انسانی، ۳، ۳۸-۴۲.
۱۴. گلکار، کوروش. (۱۳۷۹). *طراحی شهری پایدار در حاشیه کویر*. هنرهای زیبا، ۸، ۴۳-۵۲.
۱۵. لایارد، سراوستن هنری. (۱۳۷۱). *سیری در قلمرو بختیاری و عشایر بومی خوزستان*. (مهراب امیری، مترجم). تهران: انتشارات فرهنگسرا.
۱۶. ماجدی، حمید. (۱۳۸۹). *توسعه شهری امروز، بافت‌های فرسوده آینده*. هویت شهر، ۴(۶)، ۸۷-۹۴.
۱۷. محمودی، عبدالله. (۱۳۸۴). *بازنگری اهمیت ایوان در خانه‌های سنتی*. هنرهای زیبا، ۲۲، ۵۳-۶۲.
۱۸. مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۱). *هنر اسلامی، در چالش با مفاهیم معاصر و افق‌های جدید*. هنرهای زیبا، ۱۲، ۲۳-۳۲.
۱۹. مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۸۳). *حکمت معماری اسلامی*. جستجو در ژرف‌ساخت‌های معنوی معماری اسلامی. هنرهای زیبا، ۱۹، ۵۷-۶۶.
۲۰. مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۹۲). *الگوی انرژی دوستی در ساختمان بر*

احیاء فضاهای اقلیمی گذشته، مانند شوادان. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده به چگونگی و نحوه بازخوانی الگوهای بومی و اقلیمی، به‌ویژه فضاهای واسط و نقش آن در تأمین آسایش ساکنین مسکن‌های امروزی پرداخته شود تا بدین ترتیب قدمی مؤثر در راه ترقی کیفیت مفهوم سکونت در مسکن منطقه برداشته شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Henry Layard
2. B. Deboe
3. Jane Dieulafoy

۴. جدول امتیاز بندی رویکرد فضایی

	اقلیمی	فرهنگی	زیبانشاخی	اقتصادی	اجتماعی
اقلیمی	■				
فرهنگی		■			
زیبانشاخی			■		
اقتصادی				■	
اجتماعی					■

۵. جدول امتیاز بندی اهمیت فضایی

	درونی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
درونی	■							
مغزی		■						
حیاط			■					
مهناس				■				
شوادان					■			
تسین						■		
شان							■	
ایوان								■

6. Satty

۷. فرایند سلسله‌مراتبی (AHP) روشی است منعطف، قوی و ساده که برای تصمیم‌گیری در شرایطی که معیارهای تصمیم‌گیری متضاد انتخاب بین گزینه‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲۱. مهدوی نژاد، محمدجواد. (۱۳۹۳). چالش فناوری و شکوفایی در معماری معاصر کشورهای در حال توسعه. نقش جهان، ۴(۲)، ۴۳-۵۳.
۲۲. مهدوی نژاد، محمدجواد؛ بمانیان، محمدرضا؛ و خاکسار، ندا. (۱۳۸۹). هویت معماری. تبیین معنای هویت در دوره های پیشامدرن. مدرن و فرامدرن. هویت شهر. ۴(۷)، ۱۱۳-۱۲۲.
۲۳. مهدوی نژاد، محمدجواد؛ و جوانرودی، کاوان. (۱۳۹۰). مقایسه تطبیقی اساس رفتار حرارتی بام. نقش جهان، ۳(۲)، ۳۵-۴۳.
۲۴. مهدوی نژاد، محمدجواد؛ منصورپور، مجید و هادیان پور، محمد. (۱۳۹۳). نقش حیاط در معماری معاصر ایران؛ مطالعه موردی: دوره های قاجار و پهلوی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۴(۱۵)، ۳۵-۴۵.
۲۵. نعیم، غلامرضا. (۱۳۷۶). دزفول شهر آجر. تهران: نشر سازمان میراث فرهنگی کشور.
- اثر جریان هوا بر دوگانه بادگیر یزدی و کرمانی. هنرهای زیبا، ۴۸، ۶۹-۷۹.



Leading Role of Climate in Outlining Contemporary Architecture

(Case Study: Dezfool Houses in Qajar Era)

*Mohammadjavad Mahdavinejad**, Ph.D., Associate Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Majid Mansour Pour, M.A. in Architecture, School of Fine Arts, Tehran University, Tehran, Iran.

Mostafa Masoudinejad, M.A. in Architecture, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

... Abstract

The province of Khuzestan and ancient city of Dezfool are from among the most prosperous regions of Iran. In historical perspective, there are lots of traditional monuments which show the quality of rich and valuable history of this ancient region. Dezfool has a hot semi-arid climate while in Köppen climate classification called "BSh". Dezfool has extremely hot summers and mild winters, therefore the weather in summer is harsh. The level of rainfall is higher than most of southern Iran, especially in winter to spring time. In other words, harsh climatic circumstances of Dezfool made a necessity for its traditional architecture to be closer and closer to compensating outdoor situation. In traditional architecture of Iran, buildings were planned by adoption of different approaches in order to fit the needs and demands of its inhabitants. Thus rethinking about the meaning of "Home" in valuable culture of Iran, might be considered as a source of inspiration for contemporary architecture in general, and for contemporary architecture of developing countries such as Iran especially. It is very important to explain that nowadays more than ever, learning from eco-friendly concept of traditional architecture is significant to make a better future for contemporary architecture of developing countries such as Iran.

This paper is to show the leading role of climate in outlining contemporary architecture. Therefore eleven exemplar of Dezfool houses in Qajar era selected by purpose as case studies of the paper. The research team organized a questionnaire for data gathering from among eleven invaluable houses which selected by purpose in Dezfool. Focus discussion group (FDG) was set in order to interpret the questionnaire in which five experts gathered to collaborate and find the possibility of role climatic issues in outlining contemporary architecture of Dezfool in Qajar era. Contemporary architecture of Dezfool in Qajar era might be called one the most prosperous periods in which considerable number of valuable buildings are made by the hand of its wise architects. Literature review of the paper shows that in Iranian culture, home is an illustration of peace and prosperity for family members to keep them safe and relax especially in harsh climate such as south-west of Iran. It is very important to explain that some classical issues like balance between building and urban scale, separation of public and private sectors of house, spatial sequence and socio-cultural could easily be identified in traditional architecture of Iran especially in Khuzestan and Dezfool in Qajar era.

The results of the paper show that the main parts of Dezfool contemporary houses such as entrance, vestibule and corridor, yard, porch, hall, bedroom, belvedere etc. show that all these parts have a lot to do with climate while those are from among the most leading elements of architectural identity in this region. The results indicate that some classical issues like balance between building and urban scale, separation of public and private sectors of the house, spatial sequence and socio-cultural issues have a lot to do with climate in contemporary houses of Dezfool in Qajar era.

... **Keywords:** Climate, Contemporary Architecture, Dezfool Houses, Qajar Era.

* Corresponding Author: Email: mahdavinejad@modares.ac.ir